



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# حضرت امام موسیٰ

بن جعفر علیہ السلام

فرزین نجفی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام

نویسنده:

فرزین نجفی پور

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	صفات ظاهری و باطنی و اخلاق آن حضرت
۷	امام در سنگر تعلیم حقایق و مبارزه
۹	زنان و فرزندان حضرت موسی بن جعفر
۱۰	صفات و سجایای حضرت موسی بن جعفر
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام

### مشخصات کتاب

عنوان: حضرت امام موسی بن جعفر (ع)

پدیدآورندگان: فرزین نجفی پور (پدیدآور)

امام هفتم موسی بن جعفر (ع) (توصیف گر)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: سرگذشت نامه های فردی

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ،ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی

شناسه: [oai.tebyan.net/۵۹۷۲](http://oai.tebyan.net/۵۹۷۲)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

### مقدمه

نام امام هفتم ما، موسی و لقب آن حضرت کاظم (علیه السلام) کنیه آن امام ابوالحسن و ابوابراهیم است. شیعیان و دوستانان لقب باب الحوائج به آن حضرت داده اند. تولد امام موسی کاظم (علیه السلام) روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری در ابواء اتفاق افتاد. دوران امامت امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) مقارن بود با سالهای آخر خلافت منصور عباسی و در دوره خلافت هادی و سیزده سال از دوران خلافت هارون که سختترین دوران عمر آن حضرت به شمار می رود. امام موسی کاظم (علیه السلام) از حدود ۲۱ سالگی بر اثر وصیت پدر بزرگوار و امر خداوند متعال به مقام بلند امامت رسید، و زمان امامت آن حضرت سی و پنج سال و اندکی بود و مدت امامت آن حضرت از همه ائمه بیشتر بوده است، البته غیر از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

## صفات ظاهری و باطنی و اخلاق آن حضرت

حضرت کاظم (علیه السلام) دارای قامتی معتدل بود. صورتش نورانی و گندمگون و رنگ مویش سیاه و انبوه بود. بدن شریفش از زیادی عبادت ضعیف شد، ولی همچنان روحی قوی و قلبی تابناک داشت. امام کاظم به تصدیق همه مورخان، به زهد و عبادت بسیار معروف بوده است. موسی بن جعفر از عبادت و سختکوشی به عبد صالح معروف و در سخاوت و بخشندگی مانند نیاکان بزرگوار خود بود. بدره‌های (کیسه‌های) سیصد دیناری و چهارصد دیناری و دو هزار دیناری می‌آورد و بر ناتوانان و نیازمندان تقسیم می‌کرد. از حضرت موسی کاظم روایت شده است که فرمود: پدرم (امام صادق علیه السلام) پیوسته من را به سخاوت داشتن و کرم کردن سفارش می‌کرد. امام (علیه السلام) با آن کرم و بزرگواری و بخشندگی خود لباس خشن بر تن می‌کرد، چنانکه نقل کرده‌اند: امام بسیار خشن پوش و روستایی لباس بود و این خود نشان دیگری است از بلندی روح و صفای باطن و بی‌اعتنایی آن امام به زرق و برق‌های گول‌زننده دنیا. امام موسی کاظم (علیه السلام) نسبت به زن و فرزندان و زیردستان بسیار با عاطفه و مهربان بود. همیشه در اندیشه فقرا و بیچارگان بود، و پنهان و آشکار به آنها کمک می‌کرد. برخی از فقرای مدینه او را شناخته بودند اما بعضی - پس از تبعید حضرت از مدینه به بغداد - به کرم و بزرگواریش پی بردند و آن وجود عزیز را شناختند. امام کاظم (علیه السلام) به تلاوت قرآن مجید انس زیادی داشت. قرآن را با صدایی حزین و خوش تلاوت می‌کرد. آن چنان که مردم در اطراف خانه آن حضرت گرد می‌آمدند و از روی شوق و رقت‌گریه می‌کردند. بدخواهانی بودند که آن حضرت و اجداد گرامیش را - روی در روی - بد می‌گفتند و سخنانی دور از ادب به زبان می‌راندند، ولی آن حضرت با بردباری و شکیبایی با آنها روبرو می‌شد، و حتی گاهی با احسان آنها را به صلاح می‌آورد، و تنبیه می‌فرمود. تاریخ، برخی از این صحنه‌ها را در خود نگه داشته است، لقب کاظم از همین جا پیدا شد؛ کاظم یعنی: نگهدارنده و فروخورنده خشم. این رفتار در برابر کسی یا کسانی بوده که از روی جهالت و نادانی یا به تحریک دشمنان به این کارهای زشت و دور از ادب دست می‌زدند. رفتار حکیمانه و صبورانه آن حضرت (علیه السلام) کم کم بر آنان حقانیت خاندان عصمت و اهل بیت (علیهم السلام) را روشن می‌ساخت، اما آنجا که پای گفتن کلمه حق - در برابر سلطان و خلیفه ستمگری - پیش می‌آمد، امام کاظم (علیه السلام) می‌فرمود: قل الحق و لو کان فیه هلاکک؛ یعنی: حق را بگو اگرچه آن حقگویی موجب هلاک تو باشد. ارزش والای حق به اندازه‌ای است که باید افراد در مقابل حفظ آن نابود شوند. در فروتنی - مانند صفات شایسته دیگر خود - نمونه بود. با فقرا می‌نشست و از بینوایان دلجویی میکرد. بنده را با آزاد مساوی می‌دانست و می‌فرمود همه، فرزندان آدم و آفریده‌های خداییم. از ابوحنیفه نقل شده است که گفت: او را در کودکی دیدم و از او پرسشهایی کردم چنان پاسخ داد که گویی از سرچشمه ولایت سیراب شده است. به راستی امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فقیهی دانا و توانا و متکلمی مقتدر و زبردست بود. محمد بن نعمان نیز می‌گوید: موسی بن جعفر را دریایی بی‌پایان دیدم که می‌جوشید و می‌خروشید و بذره‌های دانش به هر سو می‌پراکند.

## امام در سنگر تعلیم حقایق و مبارزه

نشر فقه جعفری و اخلاق و تفسیر و کلام که از زمان حضرت صادق (علیه السلام) و پیش از آن در زمان امام محمد باقر (علیه السلام) آغاز و عملی شده بود، در زمان حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز به پیروی از سیره نیاکان بزرگوارش همچنان ادامه داشت، تا مردم بیش از پیش به خط مستقیم امامت و حقایق مکتب جعفری آشنا گردند، و این مشعل فروزان را از ورای اعصار و قرون به آیندگان برسانند. خلفای عباسی بنا به روش ستمگرانه و زیاده روی در عیش و عشرت، همیشه در صدد نابودی بنی هاشم بودند تا اولاد علی (علیه السلام) را با داشتن علم و سیادت از صحنه سیاست و تعلیم و ارشاد کنار زنند، و دست آنها را از کارهای

کشور اسلامی کوتاه نمایند. اینان برای اجرای این مقصود پلید کارها کردند، از جمله: چند تن از شاگردان مکتب جعفری را تشویق نمودند تا مکتبی در برابر مکتب جعفری ایجاد کنند و به حمایتشان پرداختند. بدین طریق مذاهب حنفی، مالکی، حنبلی و شافعی هر کدام با راه و روش خاص فقهی پایه ریزی شد. حکومت‌های وقت و بعد از آن - برای دست یابی به قدرت - از این مذاهب پشتیبانی کرده و اختلاف آنها را بر وفق مراد و مقصود خود دانسته اند. در سالهای آخر خلافت منصور دوانیقی که مصادف با نخستین سالهای امامت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بود بسیاری از سادات شورش - که نوعاً از عالمان و شجاعان و متقیان و حق طلبان اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند و با امامان نسبت نزدیک داشتند - شهید شدند. این بزرگان برای دفع ستم و نشر منشور عدالت و امر به معروف و نهی از منکر، به پا می‌خاستند و سرانجام با اهداء جان خویش، به جوهر اصلی تعالیم اسلام جان می‌دادند، و جانهای خفته را بیدار می‌کردند. طلوعها و غروبها را در آبادی‌های اسلامی به رنگ ارغوانی در می‌آوردند و بر در و دیوار شهرها نقش جاوید می‌نگاشتند و بانگ اذان مؤذنان را بر مأذنه‌های مساجد اسلام شعله ور می‌ساختند. در مدینه کارگزاران مهدی عباسی فرزند منصور دوانیقی در عمل، همان رفتار زشت دودمان سیاه بنی امیه را پیش گرفتند، و نسبت به آل علی (علیه السلام) آنچه توانستند بدرفتاری کردند. داستان دردناک فخر در زمان هادی عباسی پیش آمد. علت بروز این واقعه این بود که حسین بن علی بن عابد از اولاد حضرت امام حسن (علیه السلام) که از افتخارات سادات حسنی و از بزرگان علمای مدینه و رئیس قوم بود، به یاری عده‌ای از سادات و شیعیان در برابر بیدادگری عبدالعزیز عمری که مسلط بر مدینه شده بود، قیام کردند و با شجاعت و رشادت خاص در سرزمین فخر عده‌ی زیادی از مخالفان را کشتند، سرانجام دشمنان دژخیم این سادات شجاع را در تنگنای محاصره قرار دادند و به قتل رساندند و عده‌ای را نیز اسیر کردند. مسعودی می‌نویسد: بدنهایی که در بیابان ماند طعمه درندگان صحرا گردید. سیاهکاریهای بنی عباس منحصر به این واقعه نبود. این خلفای ستمگر صدها سید را زیر دیوارها و میان ستونها گچ گرفتند، و صدها تن را نیز در تاریکی زندانها حبس کردند و به قتل رساندند. عجب آنکه این همه جنایتها را زیر پوشش اسلامی و به منظور فروخواباندن فتنه انجام می‌دادند. حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را هرگز در چنین وضعی و با دیدن و شنیدن آن همه مناظر دردناک و ظلمهای بسیار، آرامشی نبود. امام به روشنی می‌دید که خلفای ستمگر در پی تباہ کردن و از بین بردن اصول اسلامی و انسانی اند. امام کاظم (علیه السلام) سالها مورد اذیت و آزار و تعقیب و زجر بود، و در مدتی که از ۴ سال تا ۱۴ سال نوشته اند تحت نظر و در تبعید و زندانها و تک سلولها و سیاه چالهای بغداد - در غل و زنجیر - به سر می‌برد. امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بی آنکه - در مراقبت دستگاه جبار هارونی - بیمی به دل راه دهد به خاندان و بازماندگان سادات رسیدگی می‌کرد و از گردآوری و حفظ آنان و جهت دادن به بقایای آنان غفلت نداشت. آن زمان که امام (علیه السلام) در مدینه بود، هارون کسانی را بر حضرت گماشته بود تا از آنچه در گوشه و کنار خانه امام (علیه السلام) می‌گذرد، وی را آگاه کنند. هارون از محبوبیت بسیار و معنویت نافذ امام (علیه السلام) سخت بیمناک بود. چنانکه نوشته اند که هارون، درباره امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌گفت: می‌ترسم فتنه‌ای بر پا کند که خونها ریخته شود و پیداست که این قیام‌های مقدس را که سادات علوی و شیعیان خاص رهبری می‌کردند و گاه خود در متن آن قیامها و اقدامهای شجاعانه بودند از نظر دستگاه حاکم غرق در عیش و تنعم به ناحق فتنه نامیده می‌شد. از سوی دیگر این بیان هارون نشانگر آن است که امام (علیه السلام) لحظه‌ای از رفع ظلم و واژگون کردن دستگاه جباران غافل نبوده است. وقتی مهدی عباسی به امام (علیه السلام) می‌گوید: آیا من را از خروج خویش در ایمنی قرار می‌دهی نشانگر هراسی است که دستگاه ستمگر عباسی از امام (علیه السلام) و یاران و شیعیانش داشته است. به راستی نفوذ معنوی امام موسی (علیه السلام) در دستگاه حاکم به حدی بود که کسانی مانند علی بن یقطین صدر اعظم (وزیر) دولت عباسی، از دوستداران حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) بودند و به دستورات حضرت عمل می‌کردند. سخن چینیان دستگاه از علی بن یقطین در نزد هارون سخنها گفته و بدگوییها کرده بودند، ولی امام (علیه السلام) به وی دستور فرمود با روش ماهرانه و تاکتیک



خاص اغفالگرانه (تقیه) که در مواردی، برای رد گمی حيله های دشمن ضروری و شکلی از مبارزه پنهانی است، در دستگاه هارون بماند و به کمک شیعیان و هواخواهان آل علی (علیه السلام) و ترویج مذهب و پیشرفت کار اصحاب حق، همچنان پای فشارد - بی آنکه دشمن خونخوار را از این امر آگاهی حاصل شود - سرانجام بدگوییایی که اطرافیان از امام کاظم (علیه السلام) کردند در وجود هارون کارگر افتاد و در سفری که در سال ۱۷۹ هـ به حج رفت، بیش از پیش به عظمت معنوی امام (علیه السلام) و احترام خاصی که مردم برای امام موسی الکاظم (علیه السلام) قائل بودند پی برد. هارون سخت از این جهت، نگران شد. وقتی به مدینه آمد و قبر منور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را زیارت کرد، تصمیم بر جلب و دستگیری امام (علیه السلام) یعنی فرزند پیامبر گرفت. هارون صاحب قصرهای افسانه ای در سواحل دجله، و دارنده امپراطوری پهناور اسلامی که به آفتاب می گفت بتاب که هر کجا بتابی کشور اسلامی و قلمرو من است، دستور داد چند کجاوه با کجاوه امام (علیه السلام) بستند و بعضی را نابهنگام و از راههای دیگر ببرند، تا مردم ندانند که امام (علیه السلام) را به کجا و با کدام کسان بردند، تا یأس بر مردمان چیره شود و به نبودن رهبر حقیقی خویش خو گیرند و سر به شورش و بلوا برندارند و از تبعیدگاه امام (علیه السلام) بی خبر بمانند. و این همه بازگو کننده بیم و هراس دستگاه بود، از امام (علیه السلام) و از یارانی که - گمان میکرد - همیشه امام (علیه السلام) آماده خدمت دارد میترسید، این یاران با وفا - در چنین هنگامی - شمشیرها برافرازند و امام خود را به مدینه باز گردانند. این بود که با خارج کردن دو کجاوه از دو دروازه شهر، این امکان را از طرفداران آن حضرت گرفت و کار تبعید امام (علیه السلام) را فریبکارانه و با احتیاط انجام داد. باری، هارون، امام موسی کاظم (علیه السلام) را - با چنین احتیاطها و مراقبتهایی از مدینه تبعید کرد. هارون، ابتدا دستور داد امام هفتم (علیه السلام) را با غل و زنجیر به بصره ببرند و به عیسی بن جعفر بن منصور که حاکم بصره بود، نوشت، یک سال حضرت امام کاظم (علیه السلام) را زندانی کند، پس از یک سال والی بصره را به قتل امام (علیه السلام) مأمور کرد. عیسی از انجام دادن این قتل عذر خواست. هارون امام را به بغداد منتقل کرد و به فضل بن ربیع سپرد. مدتی حضرت کاظم (علیه السلام) در زندان فضل بود. در این مدت و در این زندان امام (علیه السلام) پیوسته به عبادت و راز و نیاز با خداوند متعال مشغول بود. هارون، فضل را مأمور قتل امام (علیه السلام) کرد ولی فضل هم از این کار کناره جست. باری، چندین سال امام (علیه السلام) از این زندان به آن زندان انتقال می یافت. در زندانهای تاریک و سیاه چالهای دهشتناک، امام بزرگوار ما با محبوب و معشوق حقیقی خود (الله) راز و نیاز می کرد و خداوند متعال را بر این توفیق عبادت که نصیب وی شده است سپاسگزاری می نمود. عاقبت آن امام بزرگوار در سال ۱۸۳ هجری در سن ۵۵ سالگی به دست مردی ستمکار به نام سندی بن شاهک و به دستور هارون مسموم و شهید شد. شگفت آنکه، هارون با توجه به شخصیت والای موسی بن جعفر (علیه السلام) پس از در گذشت و شهادت امام نیز اصرار داشت تا مردم این خلاف حقیقت را بپذیرند که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) مسموم نشده بلکه به مرگ طبیعی از دنیا رفته است، اما حقیقت هرگز پنهان نمی ماند. بدن مطهر آن امام بزرگوار را در مقابر قریش - در نزدیکی بغداد - به خاک سپردند. از آن زمان آن آرامگاه عظمت و جلال پیدا کرد، و مورد توجه خاص واقع گردید، و شهر کاظمین از آن روز بنا شد و روی به آبادی گذاشت.

### زنان و فرزندان حضرت موسی بن جعفر

تعداد زوجات حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) روشن نیست. بیشتر آنها از کنیزان بودند که اسیر شده و حضرت موسی کاظم (علیه السلام) آنها را می خریدند و آزاد کرده یا عقد می بستند. نخستین زوجه آن حضرت تکتم یا حمیده یا نجمه دارای تقوا و فضیلت بوده و زنی بسیار عفیفه و بزرگوار و مادر امام هشتم شیعیان حضرت رضا (علیه السلام) است. فرزندان حضرت موسی بن جعفر را ۳۷ تن نوشته اند: ۱۹ پسر و ۱۸ دختر که ارشد آنها حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) وصی و امام بعد از آن امام بزرگوار بوده است. حضرت احمد بن موسی (شاهچراغ) که در شیراز مدفون است. حضرت محمد بن موسی نیز که در شیراز

مدفون است. حضرت حمزه بن موسی که در ری مدفون می باشد. از دختران آن حضرت، حضرت فاطمه معصومه در قم مدفون است، و قبه و بارگاهی با عظمت دارد. سایر اولاد و سادات موسوی هر یک مشعل دار علم و تقوا در زمان خود بوده اند، که در گوشه و کنار ایران و کشورهای اسلامی پراکنده شده، و در همانجا مدفون گردیده اند، روحشان شاد باد.

### صفات و سجایای حضرت موسی بن جعفر

موسی بن جعفر (علیه السلام) به جرم حقیقی و به جرم ایمان و تقوا و علاقه مردم زندانی شد. حضرت موسی بن جعفر را به جرم فضیلت و اینکه از هارون الرشید در همه صفات و سجایا و فضائل معنوی برتر بود به زندان انداختند. شیخ مفید درباره آن حضرت می گوید: او عابدترین و فقیه ترین و بخشنده ترین و بزرگ منش ترین مردم زمان خود بود، زیاد تضرع و ابتهاج به درگاه خداوند متعال داشت. این جمله را زیاد تکرار می کرد: اللهم انی أسألك الراحة عند الموت و العفو عند الحساب (خداوندا در آن زمان که مرگ به سراغم آید راحت و در آن هنگام که در برابر حساب اعمال حاضر می کنی عفو را به من ارزانی دار). امام موسی بن جعفر (علیه السلام) بسیار به سراغ فقرا می رفت. شبها در ظرفی پول و آرد و خرما می ریخت و به وسایلی به فقرای مدینه می رساند، در حالی که آنها نمی دانستند از ناحیه چه کسی است. هیچکس مثل او حافظ قرآن نبود، با آواز خوشی قرآن می خواند، قرآن خواندنش حزن و اندوه مطبوعی به دل می داد، شنوندگان از شنیدن قرآنش می گریستند، مردم مدینه به او لقب زین المجتهدین داده بودند. مردم مدینه روزی که از رفتن امام خود به عراق آگاه شدند، شور و ولوله و غوغایی عجیب کردند. آن روزها فقرای مدینه دانستند چه کسی شبها و روزها برای دلجویی به خانه آنها می آمده است.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

